

حکومت موقت در کرمانشاه و حوادث جنگ بین الملل اول  
سلوک آلمانها با این اردو و ما، موریت فوزی

۲

روز ۱۲ و ۱۳ جمادی الاول اردوی موجود وارد شد و در تاریخ چهاردهم اردوئی از طرف کلنل ایب بتوسط شویمان داده که در روز ۱۶ که روز عید نوروز است باید بدو قسمت منقسم شوند امیر حشمت و حسین زادهوارتنکره بطرف سلیمانیه روانه شوند با استعداد خودشان بقیه هم بطرف کلهر و سنجایی بترتیبی که معین شده باید روانه شوند .

این حکم یک دو روز بعد از ورود آنها که باین عجله با صدماتی که در بین راه دیده اند یک اثر بدی در افکار عمومی نموده خصوصا " در اداره ژاندارمری رؤسای جدیدالورود آنها و حمل بر مطالب غیر واقع نمودند .

احتمال میدادند که دشمن (روسها) حمله سخت کرده و این دو زوزه همه را از قصر فرار خواهند داد و این احتمال صحیح بود که بجهت اینکار قرار داده اغلب بان متوجه بودند عنوان دیگری که میکردند این بود که آقای نظام السلطنه و آلمانها از ایرانی ها اطمینان ندارند و خوف کرده میخواستند قوه ایرانی باین زیادی در قصر نباشد چون بعد از ورود آنها متجاوز از پنجهزار نفر در قصر حاضر بودند در سابق و لاحق سه هزار و پانصد ژاندارم در آنجا بود پانصد بلکه علاوه بر آن و چند تشکیلات و قریب هزار و پانصد سوار متفرقه که در حدود شش هزار نفر قشون حاضر بود عثمانی ها قریب دو هزار نفر و این عده کافی برای مقابله نبود .

این تصور در مورد نظام السلطنه و آلمانها چندان بعید نبود زیرا که عموم مردم در اینموقع از هر دو رنجیده بودند آقای نظام السلطنه طوری سلوک نمیکند که بتواند مردم را جمع آوری نموده بقوه قهریه یا بزبان آنها را نگاه دارد و چون در ضمن مطالب بعد این مطلب واضح خواهد شد در اینجا بطول کلام نخواهم کرد - و اما آلمانها اولاً "پولی نداشتند و نمیدادند و ثانياً "در باب معاهده هیچگونه همرا هی و مساعدت نمیکردند . با این خیالات بهیچوجه صحت نداشت و کارکنان امور بهیچوجه در این مقامات نبودند و هر گونه شکایتی هم داشتند اینگونه حرکات را متعرض نمیداشتند عقیده دیگر نیز بطور اختلاف گفته میشد که

چندان اهمیت نداشت ولی حقیقت امر هیچکدام از اینها نبود و فقط یک نکته باطنی سبب این اقدام عجولانه شد و آن کدورت آلمانها از شونمان بود و نمیخواستند او در قصر بماند لهذا باو گفتند که زودتر این اردو را باید متفرق نمود و باین عنوان کار هائیکه در دستش بود گرفته او را از کار خارج و ابلاغ کردند که باید بروی بغداد حسابهای خود را بدهی شونمان از این اقدام خیلی متأثر بود و تصور میکرد که این زحمات اثر خوبی برای او بدهد نتیجه برعکس شد این حکم که بروء سآی اردو رسید دو قسمت شدند یک قسمت آنها تمکین کرده اظهار موافقت کردند و یک قسمت آنها بکلی منکر شده گفتند ماها استعفا دادیم آقای امیرحشمت از اشخاصی بود که استعفا نمود و بکلی از کارکناره کرده کاپیتان حبیبالله خان و جیلاندر و آو تنکره نیز اظهار ملالت و استعفا کردند افراد ژاندارم که پیاده در کوههای کردستان دو روز و سه روز گرسنه بوده و فقط به بلوط گذران کرده اند نه لباس دارند نه کفش و دهیک آنها تلف شده از این ماء موریت بیحد متألم شده نمیدانند که چه خواهد شد به این ترتیب بروء سآی سابق ژاندارم ری که از کار خارج و رقیب مازور محمدتقی خان بودند خواستند استفاده نمایند و مشغول انتریک شده به این فتنه ها دامن می زدند و حتی فوق العاده از جیلاندر هم خوف داشتند و میگفتند که تلافی در گذشته خواهد کرد توسل بهرگونه وسیله را درراه باجاری حتمی و لازم تصور میکردند .

از مجموع این مطالب معلوم میشود که حال حیثیت اجتماعیه ایرانی ها در این موقع چیست و در مجالس و محافل چه صحبتها میشود و باید دید که عاقبت این بازی چه خواهد شد و چه اشخاصی لطمه خواهند دید و نکئی به کار وارد میشود اتفاقاً " صدمه اول بمخالفین جیلاندر وارد آمد و آن اشخاصی که در اصفهان سبب گرفتاری جیلاندر شده و او را گرفته به آباد فرستادند بایکی دوشیز رفیق شد اشخاص مذکور سلطان محمودخان پسر حسنخان سلطان عبدالعلیخان - اسفندیار خان پسر غیاث لشکر قزوینی - محمودخان گویا تهرانی باشد این چهار نفر را روز ۱۷ جمادی الاول ۱۳۳۴ گرفته و توقیف کردند .

توقیف اینها برای دموکراتها فوق العاده مؤثر شد زیرا که گرفتاری جیلاندر در اصفهان بامر کمیته دفاع ملی بود و خصوصاً " آقای میرزا احمد خان قزوینی که در آنوقت اصفهان بود و شریک عمده اقدامات شمرده میشد در اینکار بی اندازه ملالت داشت و مرارت میکرد دیموکراتها جمعی خودشان ماءالم و راضی بودند که باین عنوان در مقام اظهار و گفتگوئی برآیند ولی بقیه خصوصاً " اشخاص کاری آنها موقع را مقتضی نمیدانستند و میگفتند نباید اقدامی نموده ولی غلبه با دسته اول بود و در روزیکه آقای نظام السلطنه دیدن نمایندگان آمده بودند مطلب را مطرح کردند که اگر گرفتاری آنها بواسطه تمرد از حکم دولت بود

که گرفتاری آنها با اطلاع و اجازه من می باشد. مسئله گرفتار کردن چیلاندر و قضایای اصفهان نیست تقصیرات نظامی دارند و منحصر باینها نیست جماعتی دیگر هم که عجله آنها در کاظمین و بغداد هستند با اینها شرکت دارند که از جمله آنها است مازورسید حسین خان که بیست هزار تومان پول گمرک را موقع حرکت تسلیم رئیس گمرک کرده و آمده است و بر حقیقت بیست هزار تومان بروسها داده است در حالیکه عموم ماها در آنوقت بمضیقہ سخت بودیم و آنچه میتوانستیم از دارائی دولت باید خارج کرده باشیم این است تقصیر او سایرین هم تقصیرات زیاد نظامی و غیر نظامی دارند اگر میل دارند محاکمه شوند فردا محکمه تشکیل و محاکمه خواهند شد نتیجه هر چه شد شاید اغلب محکوم باعدام بشوند می خواهند اینکار را بکنم میل ندارید آنها تا خاتمه جنگ قرار است در حلب توفیق باشند هر کدام را که می خواهند اقدام میشود ولی من میگویم صلاح آنها محاکمه نیست دیگر اختیار با خودشان است شما با حضرات صحبت داشته نتیجه را فردا بنظام السلطنه بگوئید که کار با نجاها نکشد و در ساعت پنج و شش از شب ۱۹ همان ماه منفردا " بدون بوکر و بنه سوار قاطر کرده از قصر بطرف بغداد حرکت دادند در آنشب نمایندگان از قضیه مطلع و دانستند که اظهارات عصر نظام السلطنه هم چندان حقیقی نبوده و بمصلحت مجلس و گذرانیدن وقت و اسکات حرارت نمایندگان آن صحبتها را میکرده است چه اگر غیر از این بود نباید بان عجله آنها را تبعید نموده و منتظر جواب نباشند عقیده جمعی بر اینست که بعد از مشاهده منظره عمر نمایندگان نظام السلطنه مخصوصاً " تا کید کرده که فوراً آنها را حرکت دهند والا . . . . . و سایرین ما مورین اینکار نمیخواستند آنشب حضرات را بفرستند بهر صورت اینهم یک کدورت علاوه بر جمعی از نظام السلطنه شد که باید دید نتیجه این کدورتها در آینده چه خواهد شد این قضیه تا بیستم جمادی الاول تقریباً ختم شد زیرا که جماعت تبعید شدگان دانستند که چاره نیست و کاری از دستشان ساخته نخواهد شد فقط قانع شدند که اسباب سفر و اسبهای آنها را بجهت آنها ببرند که از آنجهت راحت باشند و خواهش و سلیقه مقبول افتاد لوازم سفر آنها را بردند که با آنها برسانند .

دوم صدمه که رسید بشونمان بود .

شونمان خودش احساس کرده بود که آلمانها و نظام السلطنه نمیگذارند او در قصر بماند و میخواستند هر چه زود تر او از قصر برود و کوشش میکرد کارهای خود را انجام داده روانه شود ولی این وقایع کار را بصورت دیگر در آورده و شاید بیک اقدامی دیگر مجبور گردد . علت کدورت از شونمان آنچه بنظر رسید اینست آقای نظام السلطنه تمام مقام خود را در این میدانند که در عشایر و ایلات نفوذ دارد در صورتیکه جزو والی که با او موافقت اظهار میدارد سایر عشایر با صدا هستند یا ساکت که از جمله آنهاست سنجایی شونمان بعکس است

چون بواسطه حسین رئوف بیک وانجام ماء موریت کرمانشاه که بارو سالیلات فوق العاده مساعدت و همراهی نموده است محبوبیت تامی در اینجا دارد و میتواند همه کار بکند باین واسطه نظام السلطنه نمیخواست شونمان در آنجا باشد (بر حسب اتفاق روزی صحبت شونمان با نظام السلطنه شده یعنی بیغرضانه کسی از او تعریف کرده بود گفته بود بلی خیلی زرنگ است ولی هیچکاری امروز از او ساخته نیست و نمیتواند مثل سابق کاری بکند) این اظهار بدون مقدمه خوب دلالت میکند که از چه راه این بیمیلی حاصل شده این را هم باید دانست که خداوند یک خلقی بنظام السلطنه داده که شرح آنرا باین اختصار نمیشود نوشت هر که باین تاریخ نظر کند شاید یکی از هزار را درک کند از عادات طبیعی ایشان این است که غیر از خودشان را رضایت ندارد کاری بکند و عنوانی داشته باشد ولو پسر هایشان باشد و از این راه چون نفع برده هر چه بگذرد بر شدت آن خواهد افزودیقین آنچه بشود در این مورد استعمال نمود حسادت است.

و اما آلمانها در مورد شونمان عقیده داشتند که روش او با خیالات آنها موافقت ندارد زیرا که آنها مستظهر بودند بقوای نظامی عثمانی و این غرور آنها را از ایرانیها کم احتیاج جلوه داده لهذا مسلک شونمان را بکلی منافی با پلنتیک خودشان تصور میکردند عثمانیها هم بواسطه سابقه حسین رئوف بیک و رفتار این مدت منمادی در طهران و قم و اصفهان تا کرمانشاه از او اندیشه دارند و مسلما "آلمانها و نظام السلطنه همراه خواهند بود. این بود که کارکنان حاضر بکلی برضد او بودند نمیخواستند یکروز در قصر بماند. تا آنچه از حال شونمان یافتیم که دلالت بر کمال عقل او مینمود بی اندازه اصرار داشت که امروز تکلیف موافقت با عثمانی است و نباید با آنها ضدیت نمود شما ایرانیها بطور اتفاق و اتحاد با آنها مساعدت و همراهی کنید و چندان آلمانیها را داخل در کار ننمائید یعنی طرف مذاکره خود قرار ندهید زیرا که آنها با شما موافقت تام نخواهند کرد و ملاحظه عثمانیها را دارند و چون قوای ایرانی کافی نیست و امروزه محتاج بقوای عثمانی هستند ناچارند که رفتار سابق را از دست داده با اینها همراهی بنمایند.

و اما صلاح اصلی و آتیه شما در اینست که بهر وسیله باشد معاهده خود را نبندید و روابط خودتان را با عثمانیها محکم کنید تا قدری پیشرفت در کارها حاصل شود آنوقت بر قوای خود افزوده مطابق مواد معاهده هیات آتیه راتاً بین نمائید و دارای یک قوای نظامی شده بتوانید اظهار هویت و وجود کنید عثمانیها در اول امر خیلی مشتبه بودند ولی حالیه دانسته اند و باز هم خواهند دانست که حسین رئوف بیک رفتارش بر خلاف صلاح و صرفه خودشان هم بوده و من در ادای وظیفه خودم رعایت صلاح ایران و آلمان فقط نکرده ام بلکه رعایت مصلحت آنها را هم داشته و اعمال من موافق صلاح همه بوده است زیرا که

استقلال ایران صرفه همه است داشتن قوای نظامی در ایران بقدریکه برای ایران فائده دارد برای عثمانی هم فائده دارد حالا خیالات دیگر کرده باشند مطلبی نیست بعدها معلوم خواهد شد که اینها بر آلمانیها هم معلوم میشود که قوای نظامی عثمانی فقط کافی برای این جنگ نیست وحتما " با ایرانیها محتاج خواهند شد . با بیانات مرقومه معلوم میشود که علت عجله کردن در تفرقه این قوا چه بوده ودر حقیقت نبودن قوای شونمان و خود او عمده مقصود بوده است و باین مقصود نیز نایل آمده .

روز بیست و یکم حسین زاده با عده امیر حشمت که متصل با او شده بودند بطرف سلیمانیه حرکت کردند تقریبا " دویست و پنجاه عده او پیشدار تفکر و حبیب الله خان سلطان و عده ژاندارم تحت نفوذ او را بفرونت جنگ روانه کرده بطور مهربانی استعفای آنها را رد کردند از قصر دور نمودند برای بقیه هم یک کلاهی ترتیب داده تقریبا " احتیاج خودشان را از شونمان کم کردند و در روز ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۳۴ با اطلاع دادند که باید عاقلانه حرکت کنید و در قصر نمائی زیرا که ما مورین نظامی میگویند که حرکت بختیاری و یک عده از مجاهدین بتحریک شما بوده است و باز تازه انتریک ها میکنند که اسباب اخلال اینجاست لهذا هر چه زودتر از قصر خارج شوند صلاح است در صورتیکه مسئله بختیاریها بهیچوجه مربوط بشونمان نبود و بطوریکه بعد خواهد آمد هر چه کرد نظام السلطنه کرد و کذلک انتریک های دیگر همه سابق بر ورود ایندسته از آقایان بود و از مرقومات سابقه نیز معلوم میشود که یک قسمت عمده مربوط بشخص نظام السلطنه و رفتار سوء مشارالیه و مقداری بخود آلمانیها و ندادن پول و حاضر نشدن برای بستن قرارداد بوده در این ضمن رؤسای ژاندارم هم بی مدخلیت نبودند سویدی و ایرانی همه در کار شرکت داشتند در نتیجه بی ترتیبی امور قبل و تندروی ما مورین آلمان و صرف نظر کردن امروز از تمام عملیات سابق یک پریشانی فوق العاده است که امروز باین صورت بیرون آمده و باز میشود گفت که مغلوبیت اثرش اینگونه حرکات هست . شونمان روز ۲۵ جمادی الاول ۱۳۳۴ از قصر بطرف بغداد حرکت کرده و در اذهان رفتن او خیلی اثر بد کرده که شاید کمتر از گذشته شدن کنتسگامیز نبود - (ادامه دارد)